

جلوه‌های قرآنی خطبه فدکیه - محسن قاسم پور
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۸ - ۲۴

جلوه‌های قرآنی خطبه فدکیه

محسن قاسم پور *

چکیده: حدیث مشهور ثقلین می‌رساند که کلام معصوم مکمل و مفسر است. سخنان حضرت فاطمه در خطبه فدکیه مشمول همین حکم کلی است. توحید، نبوت، اوصاف و ویژگی‌های خود قرآن و دفاع از ولایت علی علیاً هر کدام به گونه‌ای در کلام حضرت بازتاب یافته و هماهنگ و همسو با کلام وحی و در حکم تفسیر آن است. این مقاله آیات ناظر بر گفتار حضرت فاطمه را در ابعاد فوق الذکر مطرح کرده است. از رهگذر کاربست آیات شریفه قرآنی، از انحراف دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی پس از رحلت جانسوز پیامبر پردمبرداری شده و در کلام ایشان با استفاده از وحی الهی تنبه و هشدار نسبت به مسئولیت‌های دینی، و ترغیب در شناخت آن و سرزنش در خصوص قصورهای این مسئولیت مورد تأکید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: خطبه / فدکیه / حضرت فاطمه سلام الله عليها / تفسیر قرآن / ولایت.

فdk سرزمینی در حجاز و نزدیک مدینه و منطقه خیر قرار دارد. شهرت این نام به ویژه وقتی بود که سپاهیان اسلام یهودیان خیر را شکست دادند. پس از مشاهده این شکست، سران منطقه فdk متعهد شدند در برابر پیامبر تسليم شده و هر سال نیمی از محصولات سرزمین خود را در اختیار ایشان قرار دهند و در عوض زیر سایه حکومت اسلامی به سلامت زندگی کنند. این منطقه سرزمین حاصلخیز به لحاظ کشاورزی و منبع مهم درآمد مردم این دیار به خصوص از طریق خرما بود. براساس روایات فراوانی که در منابع فریقین وجود دارد پیامبر ﷺ ماجرای فdk شکل دیگری به خود گرفت و حق مسلم فاطمه در مورد فdk از سوی حاکمیت و جریان خلافت پس از رسول گرامی اسلام، از ایشان ستانده شد. حضرت فاطمه سلام الله علیها در جریان خطبه‌ای موسوم به خطبه فدکیه به این مساله تصریح فرموده و از رهگذر آیات قرآنی به این حق آشکار و غیرقابل انکار به آن استناد کرده است. در یک نگاه کلی جلوه‌های قرآنی این خطبه شایسته تأمل و بررسی است و این مقاله ابعاد آن را از نظر قرآنی بررسی نموده است.

۱. فدکیه در روایات فریقین

یکی از مؤلفه‌های مربوط به این موضوع کلی، بررسی روایات فریقین است.

۱.۱. روایات فدک در منابع اهل سنت

الف: حاکم حسکانی ذیل آیه شریفه ۲۶ سوره اسراء از ابوسعید خدری چنین روایت کرده است: و لما نزلت وات اذا القربی حقه اعطی رسول الله فاطمه فدک در روایتی دیگر سخن ابوسعید خدری چنین گزارش شده است: ولما نزلت هذه الاية، دعا النبي فاطمه و اعطاهها فدکا. در حدیثی دیگر ابوسعید خدری چنین گفته است: لما نزلت على رسول الله و ات اذا القربی حقه فاعطاه فدکا و العوالی وقال هذا قسم قسم الله لك ولعقبك. (شوادر

التنزيل ج ۱ص ۴۴۲-۴۳۸). حسکانی روایت دیگری با همین مضمون از امام علی آورده است.
(همانجا)

ب: خوارزمی در باب فضائل فاطمه در کتاب مقتل الحسين و ابن کثیر همین روایت را از ابوسعید خدری آورده‌اند. (مقتل الحسين ج ۱ص ۷۰؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۵ ص ۶۳) فاضل متقدی نیز از تاریخ حاکم نیشابوری روایت فوق را آورده است (کنزالعمال ج ۲ ص ۱۵۸، ج ۳ ص ۷۶۷) کاندھلوی در کتاب خود (حیات الصحابه ج ۲ ص ۵۱۹) و ابن ابی حاتم رازی (الجرح والتعديل ج ۱ص ۲۵۷) وقتی نوزی (ینابیع الموده صص ۱۱۹-۴۳۹) به نحوی به مضامین روایات بالا اشاراتی داشته‌اند.

۲.۱ روایات در منابع شیعی

افزون بر مصادر اهل تسنن، در منابع شیعی اعم از جوامع حدیثی و تفاسیر درباره فدک و مطالب مربوط به آن مباحثی آمده است. مثلاً در تفاسیری مانند تبیان (ج ۶ ص ۴۶۸) مجمع البیان (ج ۶ ص ۶۳۴) صافی (ج ۳ ص ۱۸۶)، نور الثقلین (ج ۳ ص ۱۵۴)، الوجيز فی تفسیر القرآن العزیز معروف به تفسیر عاملی (ج ۲ ص ۲۰۰) تفسیر نور (ج ۷ ص ۴۳) تفسیر گازر (ج ۵ ص ۲۹۱) تفسیر شیر (ج ۴ ص ۱۸) و تفسیر حقائق التاویل و دقائق التنزیل (ص ۷۳۳) که جملگی جزء تفاسیر شیعی‌اند، این موضوع آمده است.

۲. رمز پافشاری فاطمه بر فدک

یکی از پرسش‌های اساسی در ماجراهای فدک، جستجو برای یافتن پاسخ به این سوال است که چرا بانوی بزرگ اسلام این همه بر فدک اصرار ورزیده است؟ در جواب به این سوال باید چنین گفت: تلاش برای به دست گرفتن و بازیابی فدک، نماد حق‌گرایی و کوشش برای تحقق عدالت در جامعه و در حکم مقدمه‌ای است برای احراق حقوق معنوی اهلیت و در راس آن، حق امامت امام علی علیه السلام. تأمل در فرازهای بلند این خطبه و تأکید بر حقانیت و شایستگی امام اول در امر جانشینی پیامبر ﷺ نکته در خور توجهی است که از راز این پافشاری و اصرار در این موضوع پرده بر می‌دارد.

عبارات ناظر بر این موضوع از حضرت فاطمه که در فرازی از این خطبه آمده چنین است:

«آیا شما نسبت به عموم و خصوص قرآن از پدرم و پسر عمومیم آگاهتر و داناترید؟ این رسولی که از جانب خدا آمده اگر تحقیق کنید پدر من بود نه شما و در عقد اخوت پسر عمومی من بود نه شما، چه نسبت نیکویی میان آن دو است؟» (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ صص ۲۳۱، ۲۳۵)

از این عبارات چنین به دست می‌آید که فدک تنها ابزاری برای بیان هدف و غایتی مهم‌تر یعنی امر جانشینی پیامبر ﷺ و امامت مسلمین، مورد استناد این بانوی بزرگ جهان اسلام قرار گرفته است.

تأکید بر نادرستی استنباط جریان خلافت وقت در ماجراهی فدک و آشکار ساختن انحراف ایجاد شده در مسیر استنباط دینی - فرهنگی توسط حاکمان، نکته‌ای است که در فرآیند این مباحثه و احتجاج توسط حضرت فاطمه تبیین گردیده است. به بیان دیگر، فاطمه سلام الله علیها نارضایتی از حکومت و ایجاد بدعت در برابر نص جانشینی نبوت (امامت) را همزمان با دفاع از حق غصب شده یعنی فدک مطرح کرد. مواجهه حاکمیت بعد از رحلت پیامبر به ویژه در سه دهه اول، نشان از اتحاد یک استراتژی خاص در مقابل تفکر علوی و فاطمی است. در مقابل این جریان انحرافی و متعمدانه، حضرت فاطمه به مثابه عترت پیامبر و مفسر راستین وحی الهی، با استفاده از آیات قرآنی و یا مضامین آن به روشنگری اهتمام ورزیدند.

کوشش فاطمه سلام الله علیها در جریان خطبه فدکیه در نوع خود، هم بیانگر سنت قولی اوست وهم از سنت فعلی و رفتاری ایشان حکایت دارد. در سنت قولی اصل قرار دادن و پرداختن به مقولاتی مانند توحید، نبوت و شخصیت حضرت رسول و نیز معرفی ویژگی‌های کتاب الهی، همه برای اثبات این نکته است که چگونه و چرا جامعه بعد از پیامبر دچار چنین وضعیتی گردید، علل و عوامل آن چیست؟ و در نهایت فرجام چنین



بازگشتی به سنت‌های کور جاھلیت چه خواهد بود؟ این همه به نوعی در سخنان ایشان بازتاب یافته است؛ گرچه بررسی و تحلیل همه این موارد از حد این نوشتار بالاتر بوده و مجالی دیگر می‌طلبید اما در عین حالی محورهای اساسی این موضوع را در ادامه می‌آوریم.

۳. باز تاب قران در کلام فاطمه سلام الله عليها

بی‌تردید خطبه فدکیه در نوع خود تفسیر آیات قرآن است. سنت به طور اعم و سنت قولی به طور اخص مکمل و مفسر قرآن است. این مهم در گفتار فاطمی نیز به چشم می‌خورد. خطبه فدکیه در جای خود تفسیر آیات الهی است. انعکاس این آیات و عبارات گاهی عیناً در خلال سخنان حضرت صدیقه کبری به کار رفته است برخی از این آیات و عبارت چنین‌اند:

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل عمران، ۱۰۳)
۲. إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. (فاطر، ۲۸)
۳. وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَاعَةٍ حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَانْقَذَكُمْ مِنْهَا. (آل عمران، ۱۰۳)
۴. كُلُّمَا أَوْفَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ (مائده، ۶۴)
۵. وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران، ۸۵)
۶. أَفَحُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوْقِنُونَ (مائده، ۵۰)
۷. وَ وَرِثَ سُلَيْمانَ دَاوُودَ (نمل، ۱۶)
۸. فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلَيَّا يَرْثِي وَ بِرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ (مریم، ۶-۵)
۹. يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أُولَادِكُمْ لَذَكْرٌ مِثْلُ حَظَ الْأَنْثِيَّنَ (نساء، ۱۱)
۱۰. إِنْ تَرَكَ خَيْرًا لِوَالَّدَيْنِ وَ الْأَقْرَبَيْنِ بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ (بقره، ۱۸۰)
۱۱. لَكُلُّ نَبِيٍّ خَبْرٌ مُسْتَقِرٌ (انعام، ۶۷)
۱۲. وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتُلَ أُنْقَبَتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئٌ وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِيْنَ (آل عمران، ۱۴۴)

۱۳. فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشُوهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (توبه، ۱۳)

و بسیاری آیات دیگر، این قبیل آیات قرآن به مثابه شواهد قرآنی در ضمن بحث حضرت سلام الله علیها با خلیفه ابوبکر و اجتماع آن روز مورد استناد قرار می‌گیرد. آیاتی که افاده آنها به مقصود مورد نظر حضرت در خلال گفتار حضرتش روشن است. در این بخش محورهای مهم قرآنی را ابعاد توحیدی، رسالت محمدی، وصف قرآن و ولایت که در کلام حضرت فاطمه آمده، بررسی و مرور می‌کنیم.

۱.۳. محور توحید قرآنی در کلام حضرت

۱-۱-۳. در کلام فاطمی و بر اساس این سخنان استوار و جاودان، بعد از حمد و ثنای الہی به خاطر نعمت‌های فراوانی که در جهان هستی گسترده است، می‌خوانیم: «جم عن الاحساء عددها» یعنی «خیرات و خوبی‌های پروردگار از شماره و اندازه و احاطه بیرون است» اشاره است به آیه شریفه قرآنی «وَان تَعْدُوا نَعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوْهَا» (تحل، ۱۸، ابراهیم، ۳۴). این کلام حضرتش با توجه به معنای احصاء که تحصیل با عدد و به دست آوردن با شماره است (راغب اصفهانی، ماده حصی) بهتر فهم می‌شود؛ به این ترتیب که هیچ انسانی در رابطه با هدایت انسانی خود به هیچ چیز نیاز ندارد، مگر آنکه خداوند آن را برآورده می‌سازد (المیزان ج ۱۲ ص ۶۰) لذا این آیه به معنای آن است که نعمت‌های خدا از محدوده عدد و شماره بیرون است و انسان قادر به شمارش آن نیست عالم وجود با تمامی اجزاء و اوصاف و احوالش نعمت‌های خداست و با توجه به مفرد به کار رفتن آن مراد جنس نعمت است (همانجا) اگر دقت کنیم پس از این عبارت، عبارت ظلوم و کفار بودن برای انسان به کار رفته است. (ابراهیم، ۳۴) استفاده از این آیه با توجه به عبارت مذکور توسط حضرتش به مثابه تذکار به انسان‌های ناسپاس است که در پاسداشت نعمت ولایت نکوشیدند و نمی‌کوشند. و با توجه به حق بودن علی و اذعان درونی آنان نسبت به این حق، از پذیرش آن استنکاف ورزیدند و می‌ورزنند. و این چیزی جز ناسپاسی و

حق ناشناسی آنان ناشی نمی‌شود.

۲-۱-۳. حضرت فرموده «أشهد ان لا اله الله وحده لا شريك له كلمه جعل الاخلاص تاويها و ضمن القلوب موصولها» يعني شهادت می‌دهم معبدی جز الله نیست و او یکتا و بی‌شريك است و البته تأویل یا نتیجه این کلمه (شهادت به وحدانیت) اخلاص است و حقیقت توحید و اخلاص فطري قلوب و دل‌هاست. این بخش از کلام حضرت زهراء می‌تواند به آیه شریفه «فَاقْمُ وَجْهكَ لِلَّدِينِ حَنِيفًا فَطَرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ دِينُ الْقِيمِ» (روم، ۳۰) مستند باشد. یعنی فطري بودن و فطري بودن گرايش به خدا سرشنی است که خدا در طبیعت همه آدميان به وديعه نهاده و حضرت نيز آن را در گفتار خود تصریح کرده‌اند... همچنین با مضمون آیه شریفه ۶۵ سوره عنکبوت متناظر است: «هَنَّاكَمِيْ كَه سوار کشتی می‌شوند خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غير او را فراموش می‌کنند) اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رسانيد و نجات داد باز مشرك می‌شوند». این آیه تکيه بر اخلاص است. این که گرايش به خدا از مکنونات فطري و درونی آدميان است.

۳-۱-۳. حضرت فرمود: الممتنع من الابصار روئيته ومن الاسن صفتة. یعنی: اندیشه‌های ما از ادراک ذات او در مانده و زبان از بیان و تقریر او صافش قادر است. درک حضرت حق با چشم‌های ظاهري محال و ممتنع است. این عبارات با آياتی نظير: سبحان الله رب العرش عما يصفون (انبياء، ۲۲)، سبحان الله عما يصفون (مومنون، ۹۱) لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار و هو الطيف الخبير (انعام، ۱۰۳) هماهنگ است. این قبيل آيات شناخت مخلوق را که دارای محدوديت فكري است پايين تر از آن می‌داند که بر حق تعالی احاطه يابد. امام على عليه السلام در نهج البلاغه همین مضامين را که آورده بر اساس آن نه عقول بر کنه صفات الهی آگاه شده و نه خداوند آنها را از معرفت و شناختش باز داشته است. (نهج البلاغه خطبه ۴۹، خطبه ۱۸۶)

۴-۱-۳. حضرت می فرماید:

«ابتدع الاشياء لا من شئ کان قبلها و انشاها بلا اقتداء امثاله امتهلها و ذراها تسميه من غير حاجه الى تكوينها يعني: همه موجودات را بی هیچ سابقه و ماده به مرحله ظهور و هستی آورد و اشياء را بی سابقه بدیل و مثال و شکل و نظیر ایجاد کرد و با مشیت خود و بدون در نظر گرفتن نفعی مراتب هستی را تصویر و تنظیم کرد». این جمله را می توان با آیات: الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا (فاطر،۱)، «ولله ملك السموات والارض يخلق ما يشاء (شوری،۴۹) و نیز با آیه «يزيذ في الخلق ما يشاء ان الله على كل شئ قدير. بدیع السموات والارض و اذا قضى الله امرا فاما يقول له کن فيكون (بقره،۱۱۷) هم گون فرض کرد.

۲.۳. محور نبوت در کلام فاطمه بر اساس قرآن

بخش‌هایی از گفتار حضرت، از جهت موضوع نبوت با آیات قرآنی هماهنگ و بلکه تفسیر آن است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت: در این خطبه در فرازهای گونه‌گون، مسئله نبوت و متی که خدا از رهگذر آن بر آدمیان دارد، مورد تأکید حضرت قرار گرفته است. این که اعراب قبل از بعثت در وضع بدی قرار داشتند، خوار و ذلیل بودند و در زیر چنگال دیگران از هیچ اختیاری برخوردار نبودند تا این که خداوند بر آنها منت گذاشت و پیامبری را انتخاب کرد و به سوی آنان گسیل داشت؛ نمونه این تصريحات توسط حضرت فاطمه در این خطبه است.

۱-۲-۳. بیانات فاطمه سلام الله علیها یادآور کلام امیر المؤمنین در نهج البلاغه است آن جا که امیر المؤمنان لیلیا اوضاع پیش از بعثت پیامبر را چنین ترسیم کرده است: «خدا محمد را به رسالت مبعوث ساخت تا جهانیان را بیم دهد و او را امین دستورهای آسمانی خود قرار داد. در آن حال شما گروه عرب بدترین آیین را داشتید، در بدترین سرزمین‌ها زندگی می‌کردید، در بین سنگ‌های خشن و مارهای گزنده می‌خوابیدید، از

آب تیره می‌نوشیدید، غذای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید و پیوندهای خویشاوندی را قطع می‌نمودید و ... (نهج البلاغه، خطبه ۲۶)

فاطمه در راستای همین سخنان در اثنای خطبه فدکیه چنین فرموده است: وَ كُتُمْ عَلَى شَفَّاقَ حُفْرَةً مِنَ النَّارِ، فَأَنْقَدْ كُمْ مِنْهَا نَبِيَّهُ، تَبَلُّونَ الْأَصْنَامَ، وَ تَسْتَقْسِمُونَ بِالْأَلْزَامِ، مَدْقَةً الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةً الطَّالِمِ، وَ قُبْسَةً الْعَجْلَانِ، وَ مُؤْطِئِ الْأَدَامِ، تَشْرِبُونَ الْطَرَقَ وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَازَلَهُ خَاسِئِينَ ... (دلائل الامه ص ۱۰۹) شما پیش از این، بر پرتگاه آتش سوزان گرفتار و در بند بودید. یک طعمه بیش نبودید. زیر چنگال دیگران هیچ اختیار و قدرتی نداشته و زیر پای دشمن بودید.

آب کشیف و طعام‌های پست می‌خوردید ذلیل و خوار بودید.

۲-۲-۳. فاطمه سلام الله علیها پس از آن در این خطبه، عبد بودن پیامبر را قبل از نبوت مورد تصویر و تأکید قرار می‌دهد و می‌فرماید:

اشهد ان ابی محمدنا عبده و رسوله. این گفته در واقع تفسیر آیه اول سوره اسراء است. یعنی آیه «سَبَحَنَ اللَّهُ الَّذِي أَسْرَى بَعْدَهُ لِيَلَالَ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكَنَا حَوْلَهِ...» تأکید بر عبد بودن پیامبر ﷺ قبل از نبی بودن، نکته‌ای است قرآنی که در سخن فاطمه انعکاس یافته است.

۲-۳-۳. بانوی اسلام در جایی از سخنانش به این پیش‌بینی قرآن اشاره دارد که اگر محمد از دنیا رفت، شما به جاهلیت و فرهنگ گذشته خود برمی‌گردید و آیه کریمه «ومَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرِّسُولُوا فَإِنَّمَا ماتُوا أَوْ قُتُلُوا أَنْقَلَبُوكُمْ عَلَى عَقْبِيهِ فَلَنْ يُضْرِبَهُ اللَّهُ شَيْئًا وَسِيجَزِيَ اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران ۱۴۴) را بر آنها تلاوت کرده است. عبارات ایشان چنین است. ...وازیلت الحرمہ عن مماته فتلک والله النازله الكبری والمصیبیه العظمی لا مثنه نازله ولا باقهه عاجله اعلن بها كتاب الله جل شناوه في افنيتكم، في ممساكم و مصبهكم... (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ ص ۲۳۶) عبارت «انقلاب بر اعقاب» یعنی برگشت از دین به کفر، یعنی آنکه اگر رسول خدا از دنیا برود آنان از دین خدا بر می‌گردند چون غیر از منافع دنیوی خود هیچ اندیشه دیگری در سر نمی‌پروراندند.

حضرت فاطمه می فرماید: با ارتحال پیامبر، حرمت‌ها ریخت و فاجعه بی‌احترامی به ارزش‌های دینی و نبوی و انحراف از حق پدید آمد. این وضعیت چگونه تحقق می‌یابد؟ باید چنین گفت تنها و تنها این گرایش به کفر و پشت پا زدن به ایمان و گرایش به جاهلیت است که فرد را وا می‌دارد، این چنین در مقابل نص کلام نبوی و توصیه‌های او جبهه گیرد.

۴-۲-۳. آیات دیگری نظیر ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله و خاتم النبین (احزاب، ۴۰) و یا آیه محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار (فتح، ۲۹) مورد استناد فاطمه سلام الله علیها قرار می‌گیرد.

۴-۲-۴. جمله «نبیه و امینه علی الوحی» در سخن ایشان با آیه شریفه «انی رسول امین» (شعراء، ۱۷۸) که برای پیامبرانی مانند نوح، ابراهیم، لوط، صالح، موسی به کار رفته—و بالطبع وصف حضرت رسول ﷺ نیز هست—متناظر است. این نگاه از حضرت فاطمه در خصوص امانتداری پیامبر و امین بودن در وحی را باید تابع این نظریه دانست که پیامبران به طور اعم و پیامبر اسلام به طور اخص «امنانه خدا در میان خلق‌اند». توصیف امامان معصوم در زیارت‌نامه معروف امین‌الله «السلام علیک یا امین‌الله فی ارضه» ناظر و گواه دیگری است براین معنا. ذیل آیه شریفه «و انذر عشيرتك الاقربين» آمده است: بعد از نزول این آیه پیامبر بر کوه صفا بالا رفت و بنی عبدالمطلب و بنی عبد مناف را صدا زد. آنها جمع شدند. فرمود: بگویید ببینم اگر من به شما خبر دهم لشکر عظیمی از کنار این کوه به سوی شما می‌آید آیا می‌پذیرید یا نه؟ همه گفتند آری! ما هرگز دروغی از تو ندیدیم. فرمود: بنابراین بدانید که من شما را از عذاب الهی بر حذر می‌دارم. (ابن اثیر، ج ۲ ص ۶۰)

۴-۲-۵. حضرت فرمود: وانا ابنة نذير لكم بين يدى عذاب شديد فاعملوا انا عاملون». می‌توان گفت به آیه شریفه «ان هو الا نذير لكم بين يدى عذاب شديد» (سیا، ۴۶) مستند است.

۳-۳. اوصاف قرآن از منظر خطبه فدکیه

محور دیگری در بین کلام حضرت‌فاطمه وجود دارد که ترسیمی است از اوصاف کلام الهی. در این خصوص جملات و گفتار حضرت را با هم مرور می‌کنیم. الله فیکم عهد قدّمه إلیکم و نحن بقیة استخلفنا علیکم و معنا کتاب الله بینة بصائره و آی فینا منکشفة سرائره و برهان منجلية ظواهره. (بلاغات النساء، ص ۲۸) یعنی: برای خدا در میان شما عهد و پیمانی است و آن این که رسول خدا را در بین شما امانتی بزرگ و دیعه‌ای بسیار بزرگ و با عظمت باقی گذاشت و آن قرآن است. کتاب ناطق، قرآن صادق، نور ساطع و پرتو درخشنان، مجموعه حقایق و قوانین و حجت‌های الهی در این کتاب واضح و روشن گردیده است.

در این بیانات صراحة و روشنگری قرآن، صدق کلام الهی و آشکار بودن حقایق آن مورد تصريح حضرت قرار گرفته است. در قرآن آیاتی آمده که به نحوی با سخن حضرت فاطمه ارتباط منسجمی دارد مانند:

قدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ (مانده، ۱۵)
وَلَدِينَا كِتابُنَا يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونُ (مومنون، ۶۲)
وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ عَوْهُدْيَ وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل، ۸۶)
وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ يَعِدُهُ لَخَيْرٍ بَصِيرٍ (فاطر، ۳۱)
فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ بِالصَّدْقِ (زمُر، ۳۲)
يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (نساء، ۱۷۴)

در هر یک از این آیات خصوصیتی از قرآن آمده است، مثلاً: قرآن کتابی است که به حق سخن می‌گوید و با حق است، نباید آیات و مضامین آن را غیرواقعی و دروغ شمرد - چیزی که از سوی مشرکین صورت پذیرفت - و سرانجام آن که قرآن روشنگر است و نور مبین.

بدین سان با کنار هم نهادن چنین آیاتی با سخن بانوی بزرگ اسلام به خوبی پیوند

قرآن و عترت را خاطر نشان می‌سازد.

۴-۳. کلام حضرت در دفاع از ولایت بر اساس آموزه‌های قرآنی

یکی دیگر از محورهای مهم در خطبه فدکیه دفاع پر صلابت حضرت از ولایت و جانشینی بر حق امام علی علیهم السلام پس از پیامبر ﷺ به عنوان امام امت مسلمان است. همانگونه که پیش از این آمد، اساساً طرح اعتراضی موضوع فدک، صرفاً به متابه وسیله‌ای مشروع برای غایتی مقدس یعنی تلاش برای تحقق موضوع بسیار مهم ولایت، به شمار می‌آید. حضرت در این زمینه چنین فرموده است:

أَيُّهَا النَّاسُ أَعْلَمُوا أُبِي فَاطِمَةَ وَأُبِي مُحَمَّدٍ، أَقُولُ عُوْدًا وَبَدْءًا، وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غُلْطًا، وَلَا أَفْعُلُ
مَا أَفْعُلُ شُطْطًا. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ
رَّحِيمٌ. فَإِنْ تَعْزُوهُ وَتَعْرِفُوهُ تَجْدُوهُ أَبِي دُونَ سَاتِكُمْ - وَأَخَا أَبِنَ عَمِّي دُونَ رِجَالَكُمْ وَلَعِنَ الْمُعْزِي
إِلَيْهِ ... (کلم) نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاغْرَأَتْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ أَخَاهُ فِي أَهْوَاتِهِمَا فَلَا يَنْكَفِئُ
حَتَّى يَطَّا صِمَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَيُخْمِدَ لَهْبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا دَوْوِيَا فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَمُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ
اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدَ أَوْلَيَاءِ اللَّهِ، مُشْمَرًا نَاصِحًا، مُجَدًا كَادِحًا، لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمٌ، وَ
أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَاكِهُونَ أَمْنُونَ، تَتَبَرَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ
تَتَكَبُّسُونَ عِنْدَ النِّزَالِ، وَتَغْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ، ... أَلَا وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ - وَأَبْعَدْتُمْ
مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ.

ای مردم (آگاه باشید) من فاطمه‌ام و پدرم محمد است. گفتارم تماماً از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است. از من هرگز کلام بی‌جا و رفتار بی‌ربط سر نمی‌زند.... او پدر من بود نه هیچ یک از زنان شما. و برادرش (در پیمان اخوت)، پسر عمومی من بود نه شما. چه نسبت نیکویی میان آن دو است. هر گاه شاخ شیطان خود را بیرون می‌کرد یا توسط گروهی از مشرکان فرمان بعض و عدوات خود را می‌گشود برادر او علی بن ابی طالب را برای مقابله و دفع آنها اعزام می‌کرد و علی علیهم السلام از هیچ مأموریتی بی‌نتیجه باز نمی‌گشت؛ بال و پر دشمن را زیر پای خود می‌گذاشت و شعله‌های آتش مخالفین را با شمشیر خود خاموش می‌ساخت، با اخلاص و برای خدا

بود و در امر الهی نهایت کوشش خود را ایفا می‌کرد. وی نزدیکترین مردم به پیامبر ﷺ و سرور اولیاء الهی بود. او خیرخواه، جدی و پر تلاش بود از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسید (وقتی این کارها را می‌کرد) که شما در اوج رفاه و کمال آسودگی بودید.... شما هنگام حمله دشمن فرار کرده و از جنگ می‌هراسیدید.

آگاه باشید می‌بینم شما میل به رفاه و آسایش دنیا دارید و دست از کسی که سزاوار امامت و جانشینی پیامبر خداست برداشته‌اید. (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ ص ۲۳۱)

این موارد، اعتراض و انکاری است آشکار، بر آنچه که بعد از پیامبر بر سر امت اسلام آمده است. افزون بر آن که فاطمه سلام الله علیها خود شاهد ماجرا بوده و کلام پدر گرامی خود حضرت ختمی مرتبت را در غدیرخم شاهد بوده و شنیده، از رهگذر آیاتی از قرآن هم که به موضوع ولایت و امر خطیر جانشینی پیامبر ﷺ اشعار دارد در خلال خطبه فدکیه به این موضوع پرداخته است. گویی بر اساس آموزه قرآنی «وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم» (بقره، ۱۴۳) فاجعه باز گشت به سنت‌های جاهلی را پیش‌بینی می‌کرد؛ فاجعه بی‌اعتنایی به دستور مهم قرآنی و نبوی یعنی تداوم مسیر نبوت از طریق تبلور ولایت علی ﷺ که متأسفانه آنگونه نشد. در این سخنان فاطمه سلام الله علیها هدف و غایات دینی – قرآنی را بالاتر از اشخاص می‌داند. آموزه‌های قرآنی و توصیه‌های پیامبر در راستای اهداف بلند و متعالی الهی است. بازگشت به گذشته و سنت‌های جاهلی یعنی عدم اعتماد به قواعد و سنت‌های بنیان نهاده شده توسط قرآن و پیامبر ﷺ بالاخره پیامبر روزی از دنیا رحلت می‌کند چنان که پیامبران قبلی چنان بودند آیا اسلام و قواعد دینی قائم به شخص است؟ یا آن که سنت‌های الهی و آموزه‌های نبوی پس از او توسط جانشینانش باید تداوم یابد؟ آنچه پس از پیامبر پیش آمد، خلاف این توصیه قرآنی بود و فریاد فاطمه در راستای بی‌اعتنایی به چنین آموزه قرآنی بود. این فرازها از کلام فاطمه سلام الله علیها با توجه به



آیه دیگری از قرآن که در سوره مائدہ آمده یعنی آیه شریفه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل اليک وان لم تفعل فما بلغت رسالته» (مائده، ۶۷) همانگ و در ارتباط است.

۳-۵. استدلال حضرت به ارث مال بر اساس آیات قرآنی

یکی از جهات مهم این خطبه، استدلال حضرت به ارث (مالی) است. ایشان به مسئله ارث که می‌رسند خطاب به مهاجر و انصار فرمودند: «ایها المسلمون أغلب علي إرثي؟ يابن ابی قحافه! أَفِی کِتابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ اُبِی؟ لَقَدْ جِئْتُمْ شَیْئًا فَرِیًّا (کشف الغمة، ج ۱ ص ۴۸۹) ای مسلمانان آیا شایسته است که من از ارث خود محروم باشم؟ ای ابویکر آیا در قرآن آمده که تو ارث می‌بری ولی من از پدرم ارث نمی‌برم؟ آنگاه حضرت فرمود: به راستی کار ناپسندی مرتكب شده‌ای! در ادامه خطبه چنین گفتند: أَعْلَى عَمَدٍ تَرَكْتُمْ كِتابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُونَ: وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاؤِدَ، وَ قَالَ فِيمَا افْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحِيَّيَ بْنِ زَكَرِيَاً إِذْ قَالَ: فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيَا يَرْتَبِّي وَ يَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، وَ قَالَ: وَ أَوْلَوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أُولَى بَعْضٍ فِي كِتابِ اللَّهِ وَ قَالَ: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أُولَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأَنْثِيَّنِ وَ قَالَ: إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِينَ (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۲۳۴، ص ۲۲۴)

آیا کتاب خدا را عمدتاً ترک کرده و احکام آن را پشت سر انداختی؟ خداوند در قرآن می‌فرماید: و سلیمان از داود ارث برد (نمل، ۱۶) و نیز در مسئله تولد یحیی نقل کرده که ذکریا گفت: خداوندا از سر احسان به من پسری عطا فرما که پس از من متولی امور و وارث من و آل یعقوب باشد. (مریم، ۵)... آنگاه حضرت با استناد به آیاتی نظیر: ۷۵ سوره انفال، ۱۱ سوره نساء و ۱۸۰ سوره بقره به مسئله عمومی ارث که اطلاق دارد و انبیاء هم شامل آن می‌شود به حقانیت خود در مسئله فدک استشهاد کردند. ایشان در این زمینه فرمودند:

وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حُظْوَةَ لِي وَ لَا أَرِثَ مِنْ أُبِی وَ لَا رَحْمَمْ بَيْتَنَا، أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِإِيَّاهُ أَخْرَجَ أَبِی مِنْهَا؟ أَمْ هُلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مَلَكَتِنَا لَا يَتَوَارَثُنَ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِی مِنْ أَهْلِ مَلَكَةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أُبِی وَ أَبِنِ عَمِّی؟ (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ ص ۲۳۵)

شما پنداشتید برای من نصیبی و ارشی از سوی پدرم پیامبر ﷺ نیست؟ و یا (فکر می‌کنید) هیچ قرابتی بین ما نیست؟ نکند گمان کردید که من و پدرم از یک آیین نبوده واز هم ارث نمی‌بریم؟! آیا شما از پدرم و پسر عمومیم به عموم و خصوص آیات قرآن داناترید؟ این سخنان، استناد به آیاتی است که مربوط به انبیاء وارث بردن از آنها و یا مربوط به مطلق بهره‌گیری از ارث برای همه است. لذا با قاطعیت نسبت به مورد دستبرد قرار گرفتن ارث موضع گیری می‌کنند و می‌فرمایند:

أَيُّهَا الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ أَهْضِمْتُمْ تُرَاثَ أَبِيهِ - وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَىِ مِنْيٍ وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدِيٍ وَ مَجْمَعٍ، تَلَبِّسُكُمُ الدَّعْوَةَ وَ تَشْمَلُكُمُ الْخِبْرَةَ وَ أَنْتُمْ ذُووُ الْعَدْدِ؟

ای گروه انصار شما حاضر و ناظر باشید و (در عین حال) میراث پدر من مورد دستبرد دیگران واقع گردد؟ شما مشمول دعوت من و در معرض امتحان من قرار دارید و شما برخوردار از سلاح هستید... عبارت «اهضم» در اینجا به کار رفته یعنی شما نظاره گردید و ارث مرا می‌برند. در خطبه ۲۰۲ نهج البلاغه که به هنگام به خاک سپردن سرور زنان حضرت فاطمه و در کنار قبر پیامبر و در سوگ همسرش بیان کرده، نیز همین کلام آمده آنجا که امام علی علیه السلام خطاب به پیامبر ﷺ می‌گوید:

و سنتیک ابنتک بتضافر امتك على هضمها... (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲) به زودی دخترت تو را خبر دهد که چگونه امتك جمع شدند و بر او ستم کردند. (ارث او را ربوذند و هضم کردند). بنابراین، این تفسیر که منظور از ارث، ارث مال است، تفسیری است محکم که از سوی فاطمه سلام الله علیها بیان شده است. عمومات و محکمات هم حاکماند و دلیل خاصی هم وجود ندارد که بتوان براساس آن بخواهیم از این اطلاق دست برداریم.

نتیجه گیری

۱. کلام حضرت فاطمه سلام الله علیها در ماجراهی فدک در حقیقت گونه‌ای از تفسیر آیات قرآن در ابعاد گونه‌گون معارف قرآنی به شمار می‌آید.

۲. سخنان حضرت فاطمه سلام الله علیها به ظاهر دفاع از حق پایمال شده ایشان توسط حاکمیت و مدرسه خلافت است، اما به واقع در ورای آن دفاعی است پر صلاحت از ولایت علی علیها.

۳. فاطمه سلام الله علیها از رهگذر خطبه فدکیه انحراف ایجاد شده پس از پیامبر ﷺ توسط مدرسه خلافت را برجسته کرده است. توجه به نقش عترت در مقام فهم دین و ولایت مسلمانان، از رهنمودهای غیرقابل انکار پیامبر ﷺ است که در سخنان حضرت فاطمه سلام الله علیها بازتاب وسیعی یافته است. افزون بر آنکه خود ایشان به عنوان یکی از معصومان و خاندان عترت مطرح است و سخنانشان در این مقام، از حجیبی تام برخوردار است. تأکید بر ادامه راه نبوت و جانشینی پیامبر اسلام به وسیله امام علی علیها نیز از رهگذر این خطبه شاخص و آشکار است.

۴. توحید، نبوت، اوصاف و ویژگی‌های خود قرآن بر مبنای آیات قرآن در سخنان حضرت فاطمه در خطبه فدکیه برجسته‌تر می‌نماید. تأکید بر توحید محوری و توجه به جایگاه نبوت و شخص حضرت ختمی مرتبت در دین بر مبنای آیات قرآن، بیانگر این نکته است که رفتار مسلمانان باید بر مبنای آن تفسیر شود اما، حوادث پس از رحلت پیامبر و بازگشت به باورهای انحرافی جاهلیت یکسر با آنچه که آموزه‌های قرآن بر آن تأکید دارد متمایز است.

۵. کار بست آیات قرآن به طور مستقیم و غیرمستقیم در خلال گفتار حضرت فاطمه سلام الله علیها چشمگیر بوده، به گونه‌ای که مستندی است استوار بر سخنان ایشان.

منابع

علاوه بر قرآن و نهج البلاغه

١. حسکانی، عبیدالله بن احمد. **شواهد التنزيل**، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۴۱۱.
٢. خطیب خوارزمی، موفق بن احمد، **مقتل الحسين**، انوارالهندی، قم، بی‌تا.
٣. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، **تفسیر قرآن العظیم** دارالكتب العلمیه، بی‌تا.
٤. کاندھلوی، محمدیوسف، **حیاء الصحابه**، تحقیق بشارعواد، موسسه الرساله، بی‌تا.
٥. ابن ابی هاتم رازی، **الجرح والتعديل**، دارالحیاۃ التراث العربی، بی‌تا.
٦. قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، **ینایع الموده**، تصحیح دارالكتب العراقیه، نشر بصیری، قم، بی‌تا.
٧. طوسی، محمد بن حسن، **التیبان فی التفسیر القرآن**، دارالحیاۃ التراث العربی، بی‌تا.
٨. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲.
٩. فیض کاشانی ملامحسن، الصافی فی تفسیر القرآن، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵.
١٠. عروی حوزی، عبدالعلی بن جمعه، **نور النقلین**، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵.
١١. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درسهايی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
١٢. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، **جلاء الاذهان وجلاء الاحزان (تفسیر گازر)**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
١٣. شبر، سیدعبدالله، **تفسیر شبر**، نشردارالبلاغه لطبعه والنشر، بی‌تا.
١٤. حسنه، ابوالمکارم، محمودبن محمد، **تفسیر حقائق التاویل و دقائق التنزیل**، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۱.
١٥. طبرسی، احمد بن علی، **احتجاج**، ترجمه بهزادجعفری، نشراسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.
١٦. اربیلی، ابن ابی الفتح، **كشف الغمة**، بی‌تا.
١٧. طباطبائی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
١٨. ابن ابی طاهر(ابن طیفور)، **بلاغات النساء**، المکتبه الحیدریه، بی‌تا.